

بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن در شهر تبریز

سیروس فخرائی*

بوده است (نجومیان، ۱۳۶۶: ۴). امروزه زندگی اجتماعی انسان بدون وجود قانون میسر نیست. اصولاً ماهیت زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که برای نظم بخشیدن به روابط میان انسانها یک سلسله قواعد و هنجارهای مشخص، که برای عموم شناخته شده باشد، در میان آنها حاکمیت پیدا کند. در جوامع معاصر هر اندازه پیشرفتهای چشمگیری در ابعاد گوناگون زندگی انسان حاصل می‌شود، نیاز به داشتن قوانین پیشرفته بیشتر احساس می‌گردد. از طرف دیگر، در چنین جوامعی، برای اینکه قوانین پشتوانه اجرایی داشته باشند، لازم است مکانیسمهای مختلفی برای نظارت و کنترل اعمال افراد به کار گرفته شود.

طرح مسئله و اهمیت مطالعه آن

یکی از مشکلات عمده بیشتر کشورهای امروزی، به لحاظ حقوقی، میزان و درجه پذیرش واقعی قوانین از سوی افراد جامعه می‌باشد. اجرا نشدن قوانین در سطوح خرد و کلان جامعه نه تنها مشکلات و دشواریهایی در

چکیده: در این مقاله، ضمن تعریف مفهوم قانون‌پذیری و شاخصهای آن، به بحث درباره اهمیت قانون و لزوم اجرای آن در جامعه از دیدگاههای مختلف پرداخته شده است. سپس نتایج تحقیق میدانی که بر روی یک نمونه ۵۰۰ نفری از شهروندان تبریزی صورت گرفته، ارائه شده است. این پژوهش نشان داد که درجه قانون‌پذیری در تبریز ۵۷ درصد است. بین درجه قانون‌پذیری و متغیرهای مربوط به جنس و شغل رابطه آماری معنی‌دار مشاهده نشد؛ ولی متغیرهای مربوط به سواد و سن رابطه آماری معنی‌داری با گرایش به قانون نشان دادند. در این تحقیق نگرش مردم تبریز در مورد عوامل مؤثر در قانون‌پذیری بررسی شده است.

کلیدواژه: قانون‌پذیری، اجرای قانون، گرایش به قانون، نگرش مردم تبریز.

مقدمه

قدمت قانون به معنای اعم آن به مراحل ابتدایی زندگی انسان برمی‌گردد. زیرا جامعه قبل از پیدایش دولت و قوانین موضوعه و بدون دارای حقوق فطری و طبیعی

* عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز.

قانون از طرف اکثریت نزدیک به اتفاق مردم و عمل به آنها می‌باشد. اگر توده مردم با بینش و آگاهی خود به این نتیجه رسیده باشند که رعایت قوانین و مقررات هم به نفع خود آنها و هم به نفع جامعه است، می‌توان گفت که قانون‌پذیری در جامعه فراگیر شده است. آنچه که به خصوص به لحاظ روانشناسی اجتماعی، اهمیت دارد پذیرش ارادی و داوطلبانه قوانین از سوی افراد جامعه می‌باشد. در این حالت می‌توان گفت که قانون‌پذیری به عنوان جزئی از فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه است. اجتماعی شدن فرایندی است که از زمان تولد تا زمان مرگ با افراد همراه است (Ballantine, 1989:46).

در جریان اجتماعی شدن، افراد جامعه هنجارها، ارزشها و آداب و قوانین جامعه را به تدریج فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود تصور می‌کنند (روشه، ۱۳۷۰: ۶۸). اجتماعی شدن افراد جامعه ارزشها و هنجارها را درونی می‌کند. اگر فرایند اجتماعی شدن درست انجام گرفته باشد، افراد جامعه دلبستگی و علاقه فراوانی به رعایت قوانین داشته و سعی می‌کنند از آنها تخطی نکنند.

معرفی‌های قانون‌پذیری در جامعه

برای پی بردن به میزان قانون‌پذیری افراد جامعه و درجه سازگاری آنها با قوانین و مقررات موجود معرفت‌های مختلفی وجود دارد. با توجه به گستردگی دامنه قانون‌پذیری این معرفت‌ها در ابعاد گوناگون فرهنگی، شخصیتی و روانی، اجتماعی و حقوقی قابل مطالعه است. در اینجا، با توجه به اهداف تحقیق و متغیرهای مورد مطالعه، به چند مورد از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱. **نگرش مثبت به قانون:** یکی از اهداف اجتماعی شدن ایجاد آرزو و امید و یا به عبارت دیگر، ایجاد نگرش در فرد است (قرائی مقدم، ۱۳۷۳: ۱۹۲). از آنجا که ابتدای هر عمل و رفتاری از ذهن شروع می‌شود، برای اجرای قانون و پایبندی عملی به آن باید افراد جامعه نگرش مثبتی به آن داشته باشند. نگرش مثبت به قانون افکار و شخصیت افراد

اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم به وجود می‌آورد، بلکه، در بلندمدت، ممکن است مشروعیت قوانین موجود را زیر سؤال ببرد. این مسئله می‌تواند در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی و اخلاقی جامعه اثر گذاشته و احیاناً، سبب گسیختگی و بیسازمانی اجتماعی شود.

در بسیاری از کشورهای جهان سوم مشکلات فرهنگی و اجتماعی بیشماری در مقابل پذیرش عمومی قانون وجود دارد. ساخت اجتماعی این کشورها به گونه‌ای است که هنوز روابط خویشاوندی، هنجارهای قومی و سنتی و روابط دوستانه غیررسمی حاکمیت خود را بر رفتارهای افراد از دست نداده‌اند. این هنجارها و روابط سنتی در کنار قوانین و مقررات رسمی به حیات خود ادامه داده کارکرد خود را دارند؛ به طوری که در تصمیم‌گیریها، برنامه‌ریزیها، انتخاب افراد برای مناصب گوناگون، اعطای پاداش و یا اعمال مجازات برای افراد نقش بازی می‌کنند (Huber, 1989).

این شرایط سبب شده است که آگاهی عموم مردم از اهمیت قانون و لزوم اجرای دقیق آن کم باشد. پایین بودن سطح آگاهیهای عمومی سبب بی‌اعتنایی آنها به قانون است. از این‌رو، در بیشتر کشورهای جهان سوم، مشکلات مربوط به قانون‌پذیری ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه درخور بررسی است.

در کشور ما نیز به نظر می‌رسد که در اقبال عمومی نسبت به قانون و مقررات کاستیهایی وجود دارد. مشخص شدن میزان گرایش افراد به قانون و شناسایی علل ضعف آن نیاز به مطالعات علمی دارد. از طریق پژوهشهای علمی می‌توان درجه قانون‌پذیری افراد را مشخص کرده، نکات ضعف و علل آن را تشریح کرده و راه را برای برنامه‌ریزیهای بهتر و جامع‌تر و اتخاذ تدابیر مناسب هموار کرد.

مفهوم قانون‌پذیری

قانون‌پذیری به معنای پذیرش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی

هر کدام از آنها اشاره می‌شود:

الف) کارکرد سیاسی: قوانین موجود در هر جامعه در رابطه نزدیک با نظام سیاسی آن جامعه‌اند. از آنجا که حکومت و دولت عهده‌دار اجرای صحیح قوانین در جامعه هستند، درجه قانون‌پذیری افراد، نقش و وظایف دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر دورکیم در یک جامعه مدرن، قانون خصلت سرکوبگری ندارد. به همان نسبت که فرد بیشتر از قید جامعه آزاد می‌گردد، بهتر می‌تواند رابطه جامعه را با خود تشخیص دهد و آگاهانه تعهدات خویش را نسبت به جامعه بپذیرد (سی، اچ، داد، ۱۳۶۹: ۶۷).

ب) کارکرد شخصیتی و روانی: قانون‌پذیری افراد جامعه در یکپارچگی شخصیت آنان و رسیدن به تعادل روانی نقش مهمی ایفا می‌کند. رفتار غیر نرمال شاخصی از عدم انسجام شخصیتی است (Vinger, 1965: 57). امروزه روانشناسان یکپارچه بودن شخصیت افراد را ناشی از ایجاد توازن میان عناصر سازمان افکار و شخصیت افراد می‌دانند. یکپارچگی و انسجام شخصیت، اساس و بنیان شخصیت سالم است (جلالی و الهیاری، ۱۳۷۵).

ج) کارکرد اجتماعی: جوهر وجودی جامعه و بقا و استمرار نهادهای اجتماعی، در درجه اول، وابسته به جایگاه قوانین است. عمل به قانون از سوی افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه نظم اجتماعی را مستقر ساخته و در رسیدن به تعادل اجتماعی و ایجاد هماهنگی میان عناصر مختلف جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کند. به همین سبب، هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد (حتی جوامع ابتدایی و قبایله‌ای) که در آن قانونی وجود نداشته باشد.

د) کارکرد جمعیتی: بسیاری از کشورهای جهان سوم از رشد زیاد جمعیت و عدم تناسب آن با امکانات موجود جامعه رنج می‌برند. بالا بودن میزان قانون‌پذیری افراد جامعه می‌تواند آنها را در راه رسیدن به جمعیت متعادل کمک کند. در بسیاری از این کشورها برخی سیاستهای جمعیتی، برنامه تنظیم خانواده و کاهش باروری اتخاذ شده که رعایت مقررات آنها از سوی عموم مردم می‌تواند مفید

را متأثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنها پیدا می‌کند.

۲. کاهش ارتکاب جرائم: یکی از شاخصهای مهم قانون‌پذیری در هر جامعه میزان ارتکاب جرائم است. قانون‌پذیری یک دفاع اجتماعی را در مقابل جرائم و بزهکاری به وجود می‌آورد (آنسل، ۱۳۷۰: ۷۳).

۳. افزایش مشارکت اجتماعی: می‌توان گفت که بین قانون‌پذیری و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. افرادی که درجه قانون‌پذیری آنها بیشتر است، معمولاً در بسیاری از امور اجتماعی عام‌المنفعه مشارکت می‌کنند.

۴. بالا بودن انسجام اجتماعی: در جامعه‌های که افراد آن احترام به قانون و رعایت آن را برای خود یک فریضه می‌آورند، می‌توان درجه بالایی از انسجام را در آن جامعه مشاهده کرد. روح همکاری با ساخت نیرومند جامعه و رقابت و فردگرایی با ساخت ضعیف جامعه همراه است (گورویچ، ۱۳۶۹: ۶۶).

۵. تثبیت نظام حقوق نظام حقوقی: نظام حقوقی عبارت از مجموعه مقررات، آییننامه‌ها، قواعد و ضوابطی است که اجرای آنها موجب بقا و استمرار نظم اجتماعی می‌شود. اهداف نظام حقوقی در همه جوامع عبارت از برقراری ثبات، تأمین امنیت و استقرار عدالت است (مدنی، ۱۳۷۰: ۵۷). به نظر میرسد که بین نظام حقوقی و میزان قانون‌پذیری در هر جامعه ارتباط متقابل وجود دارد.

کارکردهای قانون‌پذیری در جامعه

پذیرش قانون و مقررات از سوی عموم مردم سبب ایجاد نظم در عناصر مختلف اجتماع می‌شود. جوامعی که مراحل توسعه و تکامل را پیموده‌اند، معمولاً، افرادی منضبط و مقید به قانون داشته‌اند. نظر به اینکه قانون‌پذیری در هر جامعه در رابطه با نظامهای شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد، در هر کدام از این سیستمها کارکردهای مختلفی را می‌تواند ایفا نماید که به اختصار، به

و مؤثر باشد.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که اهمیت و نقش قانون‌پذیری از بعد فردی فراتر رفته و ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی انسانها را در برمی‌گیرد. در نتیجه این پدیده نه تنها در تکوین و پرورش شخصیت افراد جامعه نقش دارد، بلکه در تکامل زندگی اجتماعی و رسیدن به توسعه اقتصادی-اجتماعی عامل مهمی به شمار می‌رود.

مروری بر تحقیقات پیشین

مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پژوهشی در سال ۱۳۷۳، در تهران، انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد که گرایش افراد به قانون، به طور متوسط، ۵۶ درصد بوده است. نیز، بین گرایش فرد نسبت به رعایت قانون و متغیرهای مستقل سن، جنس و میزان تحصیلات رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. در این پژوهش ۱۷ درصد پاسخگویان علت رعایت قانون را به خود افراد جامعه و بیش از ۲۷ درصد پاسخگویان علت عدم آن را پایین بودن فرهنگ مردم و تربیت نادرست خانوادگی قید کرده‌اند. ۱۰ درصد پاسخگویان نیز علت عدم رعایت قانون را مربوط به مسئولین دانسته‌اند (مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهشهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶: ۴۴۲-۴۴۱).

در مطالعه توصیفی دیگری که واحد نظرسنجی مرکز مطالعات و تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بر روی ۶۰۰ نفر از مردم شهر تهران، با استفاده از پرسشنامه به طریق حضوری انجام داده، این نتیجه به دست آمده است که حدود ۵۷ درصد پاسخگویان، به میزان متوسط، قانون را رعایت می‌کنند (مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۳).

دیدگاههای نظری

مفهوم قانون‌پذیری و میزان رعایت قانون در جامعه و عوامل مهم آن از دیدگاههای مختلفی قابل بررسی است.

به هر کدام از آنها، به اختصار، اشاره می‌شود:

۱. **رهیافت تربیتی:** در این دیدگاه بر تربیت، به عنوان ابزار مهمی که در قانون‌پذیرکردن افراد جامعه نقش دارد، تأکید می‌شود. دورکیم تربیت را عملی می‌داند که سالهای قدیمی برای آماده‌سازی نسل جدید اعمال می‌کنند، و هدف از آن پیدا کردن و پرورش آن دسته از حالات جسمی، فکری و اخلاقی در کودک است که هم جامعه و هم محیط خاصی که وی در آن زندگی می‌کند، از او توقع دارند. دورکیم این عمل را جامعه‌پذیر کردن نسلهای جدید توصیف می‌کند (سفیدی، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۲). اگر تربیت افراد جامعه از همان دوران کودکی و نوجوانی به شیوه‌ای صحیح و هماهنگ با هنجارهای جامعه صورت گیرد، میزان پذیرش قانون در مراحل بعدی زندگی افراد بیشتر خواهد بود. تربیت قادر است انسانهایی هنجارمند و قانون‌پذیر به جامعه تحویل دهد. هر گونه دوگانگی و تضاد بین نظام تربیتی و اخلاقی خانه و مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی موجب تعارضات شخصیتی می‌گردد (افروز، ۱۳۷۲: ۳۴). وجود تعارضات شخصیتی در افراد جامعه یکی از عوامل قانون‌گریزی محسوب می‌شود.

۲. **رهیافت اجتماعی:** این نوع نگرش درجه‌ی قانون‌پذیری افراد و میزان رعایت قانون در جامعه را در ارتباط با ساخت اجتماعی، نهادهای اجتماعی و هنجارهای موجود در جامعه بررسی می‌کند. ساخت اجتماعی شبکه‌ای از موقعیتها یا منزلتهایی است که مردم را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد. فرهنگ، زبان و ارتباط به عنوان عناصر اساسی ساخت اجتماعی هستند که برای فهم کنشهای اجتماعی، شناخت آنها و روابط میانشان ضروری است (Giddenz, 1987: 43). رابرت مرتن قانون‌شکنی را یک مسئله اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی می‌داند. از نظر وی رفتارهای نابهنجار و ضد ارزش محصول ناهماهنگی بین اهداف و روشهایی است که جامعه برای رسیدن به آنها در نظر می‌گیرد. از نظر مرتن زمانی که هم‌نواپی و سازگاری مطلوب بین اهداف فرهنگی و

صفت با وجدان بودن برخوردارند، افرادی هدفمند، با اراده و مصمم، دقیق و خوش قول هستند (Costa, 1992: 26). بدیهی است که چنین شخصیت‌هایی گرایش بیشتری به رعایت قانون خواهند داشت.

۵. رهیافت حقوقی و اداری: برخی متفکران معتقدند که علل ضعف رعایت قانون در جامعه را باید در نظام حقوقی و اداری جامعه جستجو کرد. اگر سیستم قضائی و حقوقی جامعه نتواند عدالت اجتماعی را در جامعه به وجود آورد و یا سبب تبعیض میان افراد جامعه گردد، خود عامل اساسی قانون‌شکنی خواهد بود. ملوین سیمون در تبیین زمینه‌های قانون‌شکنی می‌نویسد: ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد کرده است که انسانها قادر به فراگیری نحوه کنترل عواقب و نتایج اعمال و روشهای خود نیستند. نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند ایجاد کند. در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی از جامعه بر فرد مستولی شده و او را به کنش منفعلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه و ارزشهای آن سوق می‌دهد (سفیدی، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۸).

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی است که بر اساس گردآوری داده‌ها و اطلاعات از نگرشهای مردم تبریز در مورد موضوع مورد مطالعه صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش گروهها و قشرهای مختلف مردم تبریز، اعم از زن و مرد، از چند منطقه این شهر بوده است. یک نمونه ۵۰۰ نفری از گروهها و اقشار مختلف، که در مراتب گوناگونی از نظر شغلی، تحصیلات و دیگر ویژگیها قرار داشتند، براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

ابزار و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات موردنیاز از پرسشنامه‌ای که بر

وسایل نهادی شده برای رسیدن بدان اهداف وجود داشته باشد، جامعه از شرایط آنومیک مبرا بوده و رفتارهای افراد صورت طبیعی و نرمال خواهد داشت (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰).

۳. رهیافت فرهنگی: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از آداب، رسوم، ارزشها، تکنیکها و کلیه دستاوردهای مادی و غیر مادی افراد جامعه می‌باشد (روح الامینی، ۱۳۶۸: ۹۲).

در این دیدگاه فرهنگ به معنای اعم نگریده شده و بر اولویت آن در فرایند قانون‌پذیری افراد جامعه تأکید شده است. اگر جریان فرهنگی شدن افراد جامعه درست سازماندهی شده باشد، به گونه‌ای که آنها احساس تعهد در مقابل جامعه و ارزشهای آن داشته باشند، اجازه تخطی و عدول از قوانین جامعه را به خود نمی‌دهند. صاحب‌نظران این رهیافت معتقدند که علل ضعف رعایت قانون در جامعه و سایر ناهنجاریها را باید در گسیختگی فرهنگ جامعه جستجو نمود. اگر میان اجزا و عناصر فرهنگی، چه مادی و چه غیرمادی، انسجام مطلوبی وجود داشته باشد و فرایند فرهنگی شدن و اجتماعی شدن افراد به گونه‌ای باشد که تعهد لازم را نسبت به ارزشهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی در آنها به وجود آورده باشد و به اصطلاح، این ارزشها و هنجارها در وجود افراد درونی شده باشد، میزان گرایش به قانون بیشتر می‌شود؛ زیرا قانون نیز بخشی از هنجارهای یک جامعه است که به صورت مدون در آمده است.

۴. رهیافت شخصیتی و روانی: بسیاری از روانشناسان درجه قانون‌پذیری افراد جامعه را در ارتباط با ویژگیهای شخصیتی آنان مطالعه می‌کنند. هر چه قدر میزان آگاهی و شعور افراد جامعه بیشتر باشد، به همان اندازه در قانون‌پذیری و رفتارهای هنجارمند آنان تأثیر خواهد داشت. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند که برای افزایش رعایت قانون در جامعه و بروز رفتارهای عادی باید در سازمان افکار و نگرش افراد جامعه تغییرات مثبتی به وجود آورد. افرادی که از نظر تیپ شخصیتی از اندازه بالایی از

نفر از آنها را پاسخگویان زن و تعداد ۳۴۴ نفر را پاسخگویان مرد تشکیل داده است. چهار نفر از پاسخگویان جنس خود را در پرسشنامه‌ها مشخص نکرده بودند. حداکثر سن افرادی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، ۷۷ و حداقل آنها ۱۵ بوده است. البته تعداد افراد زیر ۲۰ سال بسیار اندک بوده است.

جدول شماره یک توزیع پاسخگویان را بر حسب میزان گرایش آنان به قانون، نشان می‌دهد. برای تعیین میزان گرایش پاسخگویان به قانون از گویه‌هایی که بر حسب طیف لیکرت تنظیم شده بود، استفاده شد. در هر کدام از این گویه‌ها، که در جدول شماره یک دیده می‌شوند، نظر پاسخگویان بر حسب پنج گزینه کاملاً موافق، بی‌نظر یا خستگی، مخالف و کاملاً مخالف ارزیابی شد. هر کدام از پاسخگویان، براساس چگونگی انتخاب گزینه‌ها، نمراتی دریافت کردند. به گزینه کاملاً موافق در هر گویه، نمره ۵؛ موافق، نمره ۴؛ بی‌نظر، نمره ۳؛ مخالف، نمره ۲؛ و کاملاً مخالف، نمره ۱ تعلق گرفت. به این ترتیب، با توجه به تعداد گویه‌ها که هشت تاست، کسی که بیشترین گرایش به قانون را داشت نمره ۴۰ و کسی که کمترین گرایش به قانون را داشت، نمره ۸ دریافت می‌کرد. تبدیل نمرات کل پاسخگویان به درصد نشان داد که میانگین گرایش مردم تبریز به قانون ۵۷ درصد بوده است که در حد متوسط، محسوب می‌شود. با اینکه درجه قانون‌پذیری مردان (۵۷/۲۵ درصد) بیشتر از درجه قانون‌پذیری زنان (۴۷/۳۰ درصد) بوده است، ولی رابطه آماری معنی‌دار میان آنها ملاحظه نگردید. همین‌طور بین گرایش به قانون و شغل افراد رابطه معنی‌دار مشاهده نشد. ولی میان درجه قانون‌پذیری و متغیرهای مربوط به سن و تحصیلات رابطه معنی‌دار وجود داشت. به این مفهوم که با بالا رفتن سن پاسخگویان، میزان گرایش آنان به قانون افزایش پیدا می‌کند. افراد تحصیل کرده و با سواد نیز قانون‌پذیری بیشتری نسبت به افراد بیسواد یا کم سواد داشتند.

اساس اهداف و سؤالات تحقیقاتی تهیه شده بود، استفاده شد. این پرسشنامه براساس چهار سؤال تحقیقاتی زیر که در این پژوهش مد نظر بودند، تنظیم شد.

۱. میزان گرایش شهروندان تبریزی به قانون و اجرای آن چه قدر است؟ به عبارت دیگر، درجه قانون‌پذیری افراد چه اندازه می‌باشد؟

۲. نگرش مردم تبریز در مورد چگونگی رعایت قوانین و مقررات موجود از سوی شهروندان چگونه است؟

۳. عمده‌ترین مشکلاتی که در سطح شهر سبب عدم رعایت قوانین و نادیده گرفتن آنها از سوی برخی شهروندان می‌شود، از دیدگاه مردم تبریز کدامند؟

۴. برای رعایت بهتر قوانین و بالا بردن درجه قانون‌پذیری افراد، تأثیر کدام عوامل و متغیرها از دیدگاه مردم تبریز بیشتر است؟

برای تعیین گرایش پاسخگویان به قانون از طیف لیکرت استفاده شد. براساس این طیف گویه‌های مناسب که بتواند گرایش افراد را به قانون بسنجند، انتخاب شدند. برای مشخص کردن روائی گویه‌ها به سنجش میزان همگانی و پایداری درونی آنها از راه احتساب ضریب همبستگی اقدام شد. برای این هدف میزان همبستگی هریک از گویه‌ها با گویه‌های دیگر مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به دست آمده همبستگی نسبتاً بالایی را میان گویه‌ها (حداقل میزان همبستگی آنها ۰/۷۹) نشان داد.

روش آماری

از آنجا که بیشتر متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش با مقیاس اسمی و رتبه‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند، برای پی بردن به روابط میان متغیرها و مشخص ساختن سطح معنی‌داری آنها از آزمون X^2 یا کای اسکویر، آزمون تی و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

توصیف متغیرها با استفاده از جداول فراوانی و تحلیل آماری آنها

در این تحقیق از کل نمونه آماری ۵۰۰ نفری تعداد ۱۵۲

جدول ۱. سنجش گرایش قانون‌پذیری بر اساس طیف لیکرت

طیف ارزیابی										گویه‌ها
کاملاً مخالف		مخالف		بی نظر		موافق		کاملاً موافق		
pct	n	pct	n	pct	n	pct	n	pct	n	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۰/۲	۱۰۱	۴۳/۴	۲۱۷	۱۲/۶	۶۳	۱۲/۴	۶۲	۱۰	۵۰	فکر می‌کنم مردم ما حتی اگر به ضررشان باشد قانون را رعایت می‌کنند.
۱/۲	۶	۳/۶	۱۸	۳/۶	۱۸	۳۱	۱۵۵	۶۰/۲	۳۰۱	به نظر من رعایت قوانین و مقررات باعث می‌شود تا کارهایم بهتر و راحت‌تر انجام شود.
۲۱	۱۰۵	۴۱/۴	۲۰۷	۱۲/۶	۶۳	۱۵/۴	۷۷	۸/۴	۴۲	مردم ما حتی اگر کسی بالای سرشان نباشد، قانون را رعایت می‌کنند.
۱/۸	۹	۴/۶	۲۳	۶/۸	۳۴	۳۱/۲	۱۵۶	۵۵/۴	۲۷۷	قانون باعث می‌شود تا مردم عادی راحت‌تر به حقوق خود برسند.
۳۳	۱۶۵	۳۸/۴	۱۹۲	۱۲	۶۰	۱۱/۸	۵۹	۴/۲	۲۱	وقتی دیگران قانون را رعایت نمی‌کنند چرا من رعایت کنم.
۵/۶	۲۸	۲۲	۱۱۰	۱۶	۸۰	۳۱/۴	۱۵۷	۲۳/۸	۱۱۹	قانون فقط در کتابها نوشته شده و در عمل هر کس هر طور که بخواهد رفتار می‌کند.
۱۱/۶	۵۸	۲۶/۸	۱۳۴	۷/۶	۳۸	۳۳	۱۶۵	۲۰/۲	۱۰۱	برای اینکه مردم مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند باید سر هر چهارراهی یک پلیس گذاشت.
۱۵/۴	۷۷	۱۷	۸۵	۱۴	۷۰	۲۵	۱۲۵	۲۸/۲	۱۴۱	اگر انسان پول و پارتی داشته باشد می‌تواند قانون را نادیده بگیرد.

ارقام جدول حاکی از آن است که تنها ۴/۸ درصد از پاسخگویان نظرشان بر این بود که مقررات راهنمایی و رانندگی به مقدار زیاد و به صورت مطلوب توسط مردم رعایت می‌شود. ۴۵ درصد از پاسخگویان رعایت قوانین راهنمایی را در حد متوسط و ۵۰ درصد رعایت آن را در حد کم یادآور شده‌اند. ۶۷/۷ درصد از پاسخگویان زن و ۵۱/۷ درصد از پاسخگویان مرد اظهار داشته‌اند که مقررات راهنمایی و رانندگی در حد کمی از سوی شهروندان رعایت می‌شود.

از آنجا که اغلب گروههای اجتماعی در سنین مختلف در زندگی روزانه‌شان به طور مستقیم یا غیرمستقیم، با مقررات راهنمایی و رانندگی برخورد پیدا می‌کنند و نظم شهری به مقدار زیادی در گرو رعایت این مقررات، چه از سوی رانندگان و چه از سوی عابرین، است، سؤالی در این رابطه از پاسخگویان پرسیده شد. جدول شماره ۲ نظر پاسخگویان را در مورد این سؤال یعنی چگونگی رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی توسط شهروندان تبریزی، به تفکیک جنس، نشان می‌دهد.

جدول ۲. نگرش پاسخگویان در مورد رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی به تفکیک جنس

مرد		زن		کل		رعایت مقررات راهنمایی رانندگی
درصد فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۴/۷	۱۶	۵/۳	۸	۴/۸	۲۴	زیاد
۴۳/۶	۱۵۰	۴۸	۷۳	۴۵	۲۲۵	متوسط
۵۱/۷	۱۷۸	۴۶/۷	۷۱	۵۰	۲۵۰	کم
۰	۰	۰	۰	۰/۲	۱	بی جواب
۱۰۰	۳۴۴	۱۰۰	۱۵۲	۱۰۰	۵۰۰	جمع

نقض قوانین، در حد زیاد، ۲۰ درصد از آنها در حد متوسط و ۳ درصد در حد کم دانسته‌اند. همانگونه که در جدول نمایان است، زنان و مردان، هر دو، تأثیر قاطع این متغیر را در نادیده گرفتن قوانین جامعه یادآور شده‌اند.

جدول شماره سه تأثیر تربیت نادرست خانوادگی را در نادیده گرفتن قوانین، از دیدگاه پاسخگویان، به تفکیک جنس، نشان می‌دهد. ارقام جدول بیانگر آن است که ۷۵/۶ درصد از پاسخگویان تأثیر تربیت نادرست خانوادگی را در

جدول ۳. نگرش پاسخگویان در مورد تأثیر تربیت نادرست خانوادگی در نقض قوانین

مرد		زن		کل		میزان تأثیر تربیت نادرست خانوادگی
درصد فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۷۵/۳	۲۵۹	۷۷	۱۱۷	۷۵/۶	۳۷۸	زیاد
۱۹/۸	۶۸	۲۱	۳۲	۲۰	۱۰۰	متوسط
۳/۵	۱۲	۲	۳	۳	۱۵	کم
۱/۵	۵	۰	۰	۱/۴	۷	بی جواب
۱۰۰	۳۴۴	۱۰۰	۱۵۲	۱۰۰	۵۰۰	جمع

نفر از افراد مورد مطالعه، یعنی ۲۸/۲ درصد از آنان، تأثیر این متغیر را در درجه اول اهمیت یادآور شده‌اند؛ ۱۴ درصد از پاسخگویان، تأثیر سواد و میزان تحصیلات؛ ۱۷/۴ درصد از آنان، تأثیر تربیت درست افراد در خانه و مدرسه؛ ۱۶ درصد، تقویت ایمان و اعتقادات مذهبی؛ ۸/۸ درصد، تجدیدنظر در بعضی قوانین؛ ۱۱/۲ درصد، رفع مشکلات اقتصادی را در درجه اول اهمیت قرار داده‌اند. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که نگرش عمومی مردم در باب عوامل

جدول شماره چهار نگرش پاسخگویان در مورد تأثیر برخی متغیرهای فرهنگی و اجتماعی در قانون‌پذیری افراد جامعه را نشان می‌دهد. هر کدام از این متغیرها از اولویت اول تا اولویت ششم قرار گرفته و از پاسخگویان خواسته شده بود که نظر خود را در مورد متغیرهای خواسته شده به ترتیب اهمیت آنها در رعایت قانون ذکر نمایند. همان‌طور که ارقام جدول نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی اولویت اول مربوط به تأثیر بالا بردن میزان آگاهیهای عمومی است. ۱۴۱

مؤثر در قانون‌پذیری و اجرای درست قوانین روبه مسائل فرهنگی و تربیتی جامعه دارد.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان بر حسب نگرش آنان در مورد ترتیب اولویت تأثیر برخی متغیرهای فرهنگی و اجتماعی در قانون‌پذیری

اولویت اول		اولویت دوم		اولویت سوم		اولویت چهارم		اولویت پنجم		اولویت ششم		متغیر
pct	n	pct	n	pct	n	pct	n	pct	n	pct	n	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۸/۲	۱۴۱	۱۶/۴	۸۲	۱۶	۸۰	۱۶/۶	۸۳	۱۶/۸	۸۴	۱۲/۴	۶۲	بالا بردن میزان آگاهی عمومی
۱۴	۷۰	۲۵/۸	۱۲۹	۲۰/۸	۱۰۴	۱۶/۲	۸۱	۱۰/۸	۵۴	۸/۲	۴۱	افزایش میزان سواد و تحصیلات
۱۷/۴	۸۷	۲۲/۴	۱۱۲	۲۰/۶	۱۰۳	۱۵	۷۵	۱۱/۴	۵۷	۸	۴۰	تربیت درست در خانواده و مدرسه
۱۶	۸۰	۱۱	۵۵	۱۵	۷۵	۱۷/۸	۸۹	۱۲/۴	۶۲	۲۲/۲	۱۱۱	تقویت ایمان و اعتقاد
۸/۸	۴۴	۱۰/۴	۵۲	۱۱	۵۵	۱۲/۶	۶۳	۲۶	۱۳۰	۲۵/۸	۱۲۹	بازنگری و تجدید نظر در قوانین
۱۱/۲	۵۶	۱۰	۵۰	۱۱/۲	۵۶	۱۷/۲	۸۶	۲۶/۴	۱۳۲	۱۸/۶	۹۳	رفع مشکلات اقتصادی

و برای پاسخگویان مرد ۱/۳۴ است. مقدار T محاسبه شده نشان‌دهنده معنی‌دار بودن رابطه میان این دو متغیر است. به این مفهوم که زنان بیشتر از مردان برای مشکلات روحی و اخلاقی در نادیده گرفتن قوانین جامعه اهمیت قائل هستند.

جدول شماره ۵ رابطه میان جنس و نگرش پاسخگویان در باب تأثیر مشکلات اخلاقی و روحی در نقض قوانین را نشان می‌دهد. برای مشخص شدن این رابطه از آزمون t استفاده شده است. ارقام جدول نشانگر آن است که میانگین این متغیر برای پاسخگویان زن ۱/۵۲

جدول ۵. نگرش پاسخگویان زن و مرد در باب تأثیر مشکلات اخلاقی و روحی در نقض قوانین

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t - Value	df	sig
زن	۱۵۲	۱/۵۲	۰/۷۰	۲/۷۱	۲۴۹/۳۷	۰/۰۰۷
مرد	۳۴۳	۱/۳۴	۰/۵۸			

قانون‌پذیری، به لحاظ آماری، معنی‌دار است. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، به احتمال بیشتر از ۹۹ درصد بین این دو متغیر همبستگی مثبت دیده می‌شود. به این مفهوم که با بالا رفتن میزان تحصیلات افراد، درجه قانون‌پذیری آنها بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر، گرایش افراد تحصیل‌کرده به قانون کمتر است. وقتی به بررسی همبستگی و رابطه بین درجه

در جدول شماره ۶ ضرایب همبستگی میان درجه قانون‌پذیری و برخی متغیرهای مورد مطالعه مشاهده می‌شود. همان‌طور که در جدول مشخص است، رابطه آماری معنی‌داری بین جنس و درجه قانون‌پذیری یا میزان گرایش به قانون وجود ندارد. به این معنا که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین درجه قانون‌پذیری زنان و مردان دیده نمی‌شود. همبستگی بین میزان تحصیلات و درجه

آنها در باب میزان رعایت قانون همبستگی مثبتی وجود دارد. در گرایش افراد به قانون بیشتر جنبه‌های عملی و رفتاری خود آنها در ارتباط با قانون مدنظر است؛ ولی نگرش افراد، عمدتاً، دربرگیرنده تصور و برداشت ذهنی آنان نسبت به قانون و چگونگی اجرای آن در جامعه است. افرادی که از گرایش بالاتری نسبت به قانون برخوردارند، درباب رعایت و اجرای قانون در جامعه نظر مثبت دارند؛ برعکس، افرادی که گرایش آنها نسبت به قانون کمتر است، نگرش منفی به رعایت قانون دارند و اجرای آن را در سطح مطلوبی تصور نمی‌کنند. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که نوع گرایش افراد به قانون، نگرش و برداشت آنها را از چگونگی اجرای قانون تحت تأثیر قرار می‌دهد.

قانون‌پذیری افراد و نگرش آنها در باب چگونگی رعایت مقررات و قوانین موجود در جامعه پرداختیم، متوجه شدیم که بین این متغیرها رابطه معنی‌دار دیده می‌شود. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین درجه قانون‌پذیری پاسخگویان و نگرش آنها در باب گرایش مردم بر رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، رعایت انضباط اجتماعی، و رعایت ساعات کار در ادارات، پرداخت به موقع مالیاتها، پرداخت به موقع هزینه آب و برق و گاز و تلفن، و رعایت حقوق همدیگر رابطه آماری معنی‌داری مشاهده می‌شود. رابطه فوق این مفهوم را می‌رساند که با بالا رفتن درجه قانون‌پذیری افراد، نگرش آنها در باب میزان رعایت قانون در جامعه مثبت‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، بین میزان گرایش افراد به قانون و نگرش

جدول ۶. ضرایب همبستگی بین درجه قانون‌پذیری و متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	درجه قانون‌پذیری	
	تعداد n=	میزان همبستگی r=
جنس	۴۹۶	۰/۳۲۰
سن	۴۷۷	۰/۴۸۴
سواد	۴۸۵	۰/۲۰۶
شغل	۴۸۲	۰/۳۶۱
رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی	۴۹۹	۰/۲۵۷
رعایت انضباط اجتماعی	۴۹۹	۰/۲۱۲
رعایت ساعات کار در ادارات	۴۹۰	۰/۲۷۰
پرداخت به موقع مالیاتها	۴۸۲	۰/۱۳۸
پرداخت به موقع هزینه آب و برق و ...	۴۹۵	۰/۱۱۵
رعایت حقوق یکدیگر	۴۸۵	۰/۲۵۲

نتیجه‌گیری

گرفتن قوانین اشاره کرده‌اند. بعد از آن متغیر مربوط به تأثیر تربیت نادرست خانوادگی قرار دارد که ۷۵/۶ درصد از پاسخگویان به تأثیر زیاد این متغیر در نقض قوانین اشاره کرده‌اند. سپس، به ترتیب، متغیرهای مربوط به تأثیر مجریان قانون (۷۳/۲ درصد) و تأثیر مشکلات اقتصادی (۶۲/۲ درصد) و تأثیر ضعف قوانین (۴۸/۴ درصد) قرار گرفته‌اند. توجه به نگرش مردم نشان می‌دهد که مهمترین موانع قانون‌پذیری از دیدگاه آنان مسائل فرهنگی و تربیتی است. اگر سطح فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی در حد مطلوب قرار گرفته باشد، افراد اهمیت قانون و لزوم پایبندی به آن را درمی‌یابند.

آخرین سؤال تحقیقاتی که در این پژوهش دنبال شد، مشخص ساختن عوامل مؤثر در بالا بردن قانون‌پذیری از دیدگاه پاسخگویان بوده است. مهمترین عامل که بیشتر پاسخگویان آن را در اولویت اول قرار داده بودند، بالا بردن میزان آگاهیهای عمومی است. با توجه به اینکه عوامل مؤثر از اولویت اول تا اولویت ششم رده‌بندی شده بود، ۲۸/۲ درصد پاسخگویان این متغیر را در اولویت اول قرار داده‌اند. این پاسخ ما را متوجه این مسئله می‌کند که مشکل اساسی قانون‌پذیری در جامعه ما مشکل فرهنگی است. اگر بتوانیم به راههای مختلف، در سطح کلان و خرد جامعه، در ارتقای سطح فرهنگ، بالا بردن بیش و شعور اجتماعی افراد بکوشیم، قدم مؤثری در قانون‌پذیری برداشته‌ایم. عوامل دیگری که برای اجرای بهتر قوانین، از سوی پاسخگویان، با اهمیت تلقی شده‌اند، توجه به تربیت درست افراد در خانواده و مدرسه، تقویت ایمان و اعتقاد مردم و افزایش سواد و تحصیلات بوده است. متغیرهای مربوط به رفع مشکلات اقتصادی و بازرگاری در قوانین در اولویتهای پایانی قرار گرفته‌اند.

نکته جالب آماری که در این تحقیق مشاهده شد، همخوانی و همبستگی بین موانع اجرای قانون و عوامل مؤثر در اجرای قانون از دیدگاه پاسخگویان بوده است. بسیاری از پاسخگویان همان عوامل را که به عنوان مانعی

در این پژوهش چهار سوال تحقیقاتی طرح شده بود. یکی از این سؤالات در پیرامون تعیین میزان گرایش مردم تبریز نسبت به قانون بود. نتایج تحقیق نشان داد که درجه قانون‌پذیری پاسخگویان، به طور متوسط، ۵۷ درصد بوده است. نتیجه پژوهش مرکز مطالعات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در تهران میزان قانون‌پذیری شهروندان تهرانی را ۵۶ درصد بر آورد کرده بود. ملاحظه می‌شود که نتایج به دست آمده بسیار نزدیک به یکدیگر هستند. باید یادآور شد که در این تحقیق، با توجه به اینکه نمونه محدودی نسبت به جمعیت تبریز (N=۵۰۰) و آن هم از چند منطقه شهر تبریز انتخاب شده، نتایج به دست آمده را به طور قاطع نمی‌توان به کل مردم تبریز تعمیم داد. این امر مستلزم تحقیقی گسترده با نمونه وسیع است که بتواند مناطق مختلف شهر تبریز را دربرگیرد.

نتیجه تحقیق نشان داد که میزان گرایش زنان به قانون ۴۷/۳۰ و میزان گرایش مردان ۵۷/۲۵ است. به رغم اختلاف در گرایش مردان و زنان به قانون، تحلیل آماری نشان داد که این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

دومین سؤال تحقیقاتی در این پژوهش مشخص کردن نگرش مردم در باب چگونگی رعایت قوانین و مقررات موجود در جامعه، از قبیل مقررات راهنمایی، حفظ انضباط اجتماعی، مانند ایستادن در صف اتوبوس، پرداخت به موقع مالیاتها و هزینه آب و برق و...، رعایت ساعات کاری اداری بوده است. نتایج تحلیلها نشان می‌دهد که رعایت موارد فوق را تا ۲۰ درصد پاسخگویان در حد زیاد، ۴۷ درصد در حد متوسط و ۳۱ درصد در حد پایین پاسخ داده‌اند.

این پرسش که چه موانعی در مقابل اجرای درست قانون در جامعه وجود دارد؟ در واقع موضوع پژوهش بود؛ عمده‌ترین متغیری که پاسخگویان روی آن تأکید کرده‌اند، پایین بودن سطح آگاهیهای عمومی است. ۸۰/۶ درصد پاسخگویان به تأثیر زیاد این متغیر در نادیده

———— (۱۳۷۲)، «پژوهش در جامعه‌پذیری نسل انقلاب»، نگهبان، سال سوم، شماره ۲۶؛

سی. اچ. داد (۱۳۶۹)، رشد سیاسی، ترجمه عزت‌اله فولادوند، چاپ دوم، نشر نو، تهران؛

قرائی مقدم، امان‌اله (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات فروردین؛
گورویچ، ژرژ (۱۳۶۹)، مسائل روانشناسی جمعی و روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران؛

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، «ابگانی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲: ۷۵-۲۵؛
مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۰)، مبانی و کلیات علم حقوق، نشر همراه، تهران؛

مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۶)، معرفی پژوهش‌های اجتماعی، فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۳، تهران؛

مرکز تحقیقات صدا و سیما (۱۳۷۳)،

نجومیان (۱۳۶۶).

Ballantine, Jeane, H. (1989). *The sociology of Education, A systematic analysis*, Prentice Hall, second edition;

Charon, Joelm (1990), *The meaning of sociology*, prentice Hall, third edition;

Costa, T. J.R. McCrae, R. R. (1992), "Revised NEO personality and NEO Five factor inventory (NEO- FFI) Professional manual- Odessa fl", *psychological Assessment Resources*;

Huber, yoan, (1989), *Macro- Micro linkages in sociology*, Longman;

Giddenz, Anthony, (1987), *social theory and modern sociology*, press;

Morison, Murray, (1986), *Methods in sociology*, Longman;

Yinger, J. Milton (1965), *Toward a field theory of behavior, personality and social structure*, Mc Graw- HILL Book company. ■

برای اجرای بهتر قوانین ذکر کرده بودند، شکل درست همان عوامل را در اجرای درست قوانین و افزایش قانون‌پذیری یادآور شده بودند. به این ترتیب، اگر پایین بودن سطح آگاهی‌های عمومی و تربیت نادرست خانوادگی مانع اجرای قانون می‌شوند، از راه ارتقای آگاهی‌های عمومی و توجه به تربیت درست افراد می‌توان عوامل مؤثر در قانون‌پذیری را تقویت کرد.

نتایج نشان داد که بین درجه قانون‌پذیری و نگرش درباب تقویت ایمان و اعتقاد همبستگی مثبت و بین درجه قانون‌پذیری و نگرش در مورد بازنگری در قوانین همبستگی منفی دیده شد. مفهوم آن این است که افراد با درجه قانون‌پذیری بیشتر تأثیر متغیر مربوط به تقویت ایمان و اعتقاد در اجرای قوانین را بسیار چشمگیر دانسته‌اند. افرادی که درجه قانون‌پذیری آنها کمتر بوده، این متغیر را گرایش به قانون و لزوم بازنگری در قوانین نشان می‌دهد افرادی که درجه قانون‌پذیری بیشتری دارند و نیازی به تغییر و بازنگری در قوانین نمی‌بینند و تأثیر آن را در اجرای بهتر قوانین ناچیز می‌شمارند. بر عکس، افرادی که درجه قانون‌پذیری کمتری دارند معتقد هستند که بازنگری و تجدید نظر در قوانین می‌تواند عاملی برای اجرای درست و بهتر آنها باشد.

منابع

آنسل، مارک (۱۳۷۰)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران؛

افروز، غلامعلی (۱۳۷۲)، روانشناسی تربیتی (کاربردی)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران؛

جلالی، سید محمد محسن، الهیاری، عباسعلی (۱۳۵۷)، «نقش مذهب در سلامت روان»، تربیت، سال یازدهم، شماره نهم، وزارت آموزش و پرورش؛

روشه، گی (۱۳۷۰)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد؛

روح الامینی، محمود (۱۳۶۸)، مبانی انسان‌شناسی، چاپ سوم، انتشارات عطارد؛

سفیدی، هوشمند (۱۳۷۱)، «تبیین جرم از دیدگاه جامعه‌شناسی»، نگهبان، سال دوم، شماره ۱۵؛